



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 30. No 1. Spring 2023

Received date: 2023.02.28

Acceptance date: 2023.05.19



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1402.30.1.5.8

The political economy of introversion in the Islamic Republic of Iran 1358-1398

Manticore state, sanction and economic consequences

Mojtaba Shahriary^۱



Abstract

Examining the upstream documents of economic policy in Iran after the revolution, such as the general policies of development programs and the resistance economy document, shows that in order to achieve high and stable economic growth, the strategy of economic externalization in the framework of comprehensive support and Targeting the export of goods and services, investment development through the attraction of foreign resources and capital, and the expansion of commercial cooperation are among the key axes of macroeconomic policy. At the same time, examining the indicators of Iran's economy during the years 1358 to 1398 in this area and comparing it with the developments of the world economy shows that Iran's economy during this period is an introverted economy. The main question in this article is why Iran's economy after the revolution is an inward-looking economy, contrary to the upper documents of economic policy? The hypothesis of this paper based on the historical institutionalism approach is that the *manticore* (complex and conflicting) nature of the state in its constructive idea, its structure and functions is the factor in the formation of an introverted economy. On this basis, the government in Iran after the revolution has been responsible for two categories of development and extra-territorial functions, and as a result of the predominance of extra-territorial functions over the development functions of the government, a wide range of sanctions against Iran Formed, the consequence of which is economic introversion.

Keywords: Political Economy, Sanction, Manticore State, Historical Institutionalism, Iran.

^۱ PhD Candidate in Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۰، شماره ۱، پیاپی (۱۱۱)، بهار ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰,۱۰۰۱,۱,۱۵۶۰۱۹۸۶,۱۴۰۲,۳۰,۱,۵,۸

نوع مقاله: پژوهشی

اقتصاد سیاسی درون‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸-۱۳۹۸ دولت مانتیکوری، تحریم و پیامدهای اقتصادی

مجتبی شهریاری^۱



چکیده

بررسی اسناد بالادستی سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران پس از انقلاب همچون سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه و سند اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد جهت‌دستیابی به رشد اقتصادی بالا و پایدار، راهبرد برون‌گرایی اقتصادی در چارچوب حمایت همه‌جانبه و هدفمند از صادرات کالا و خدمات، توسعه سرمایه‌گذاری از طریق جذب منابع و سرمایه‌های خارجی و گسترش همکاری‌های تجاری از محورهای کلیدی سیاست‌گذاری کلان اقتصادی می‌باشد. در عین حال بررسی شاخص‌های اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۸ در این حوزه و مقایسه آن با تحولات اقتصاد جهانی نشان می‌دهد اقتصاد ایران طی این دوره یک اقتصاد درون‌گرا است. پرسش اصلی در مقاله حاضر این است که چرا اقتصاد ایران پس از انقلاب بر خلاف اسناد بالادستی سیاست‌گذاری اقتصادی یک اقتصاد درون‌گراست؟ فرضیه مقاله حاضر بر مبنای رویکرد نهادگرایی تاریخی این است که ماهیت مانتیکوری (مرکب و متعارض) دولت در ایده‌سازنده، ساختار و کارویژه‌های آن عامل شکل‌گیری اقتصاد درون‌گرا می‌باشد. بر این مبنا دولت در ایران پس از انقلاب دو دسته کارویژه‌های توسعه‌ای و فراسرزمینی بر عهده داشته است که در نتیجه غلبه کارویژه‌های فراسرزمینی بر کارویژه‌های توسعه‌ای دولت، طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها علیه ایران شکل گرفته که پیامد آن درون‌گرایی اقتصادی است.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی، تحریم، دولت مانتیکوری، نهادگرایی تاریخی، ایران.

مقدمه

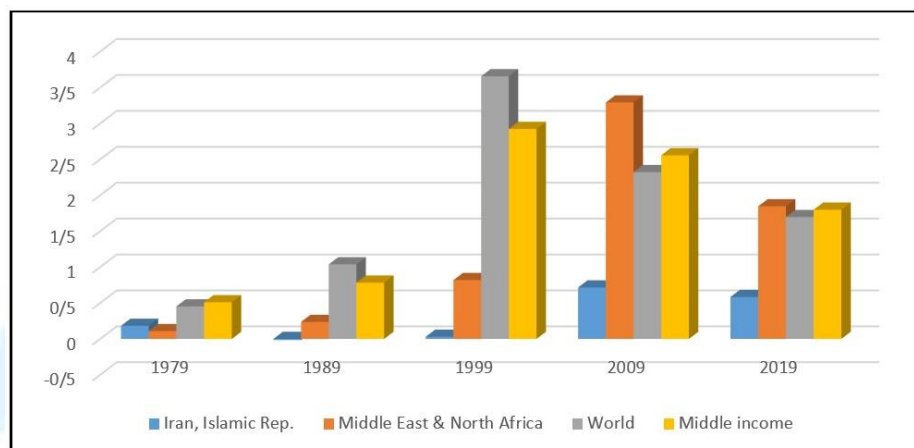
بررسی تجربه کشورهای با رشد اقتصادی بالا و پایدار در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد این کشورها به‌خوبی از ظرفیت‌های حاکم بر اقتصاد جهانی استفاده نموده و با جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه تجارت بین‌الملل و گسترش همکاری‌های اقتصادی که در این پژوهش از آن به‌عنوان رویکرد برون‌گرایی اقتصادی نام می‌بریم، عملکرد موفق‌تری را به جای گذاشته‌اند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ که دسترسی دولت‌ها را به سرمایه فراتر از پس‌انداز داخلی فراهم می‌کند، ابزار مهمی برای انتقال فناوری از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه تلقی می‌شود. تجارت بین‌الملل نیز رشد اقتصادی را از طریق دسترسی به بازارهای خارجی فراهم نموده و امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی را با توجه به مزیت‌های نسبی به وجود می‌آورد. بررسی سیاست‌های کلی برنامه‌های اول تا ششم توسعه و سند اقتصاد مقاومتی در ایران پس از انقلاب نشانگر رویکرد برون‌گرا در سیاست‌گذاری اقتصادی با محورهای زیر است: برنامه‌ریزی جامع برای دستیابی به جهش در صادرات غیرنفتی، فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای تحقق رقابت‌پذیری کالاها و خدمات کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی، تأکید بر راهبرد توسعه صادرات بویژه در بخش خدمات با فناوری بالا، توسعه سرمایه‌گذاری از طریق جذب منابع و سرمایه‌های خارجی، جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور و سرمایه‌گذاران خارجی، اولویت دادن به دیپلماسی اقتصادی با هدف توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان بویژه همسایگان، استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی و استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.

در عین حال بررسی عملکرد اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۸ (۱۹۷۹-۲۰۱۹) در مقایسه با تحولاتی که در اقتصاد جهانی طی این دوره صورت گرفته نشان می‌دهد اقتصاد ایران عملکرد نسبتاً ضعیفی داشته و یک اقتصاد درون‌گرا محسوب می‌گردد. بررسی داده‌های بانک جهانی در رابطه با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق مختلف جهان نشان می‌دهد متوسط نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی در فاصله سال‌های ۱۹۷۹-۲۰۱۹ در آمریکا ۱,۳۳، اروپا ۲,۷۶، کشورهای با درآمد متوسط ۱,۸۸، کره جنوبی ۰,۷۱، ترکیه ۰,۸۷، چین ۲,۵۹، خاورمیانه و شمال آفریقا ۱,۵۳ و در جهان ۱,۹۶ درصد می‌باشد. در حالی که این رقم در ایران حدود ۰,۴۶ درصد یعنی کمتر از یک چهارم متوسط جهانی می‌باشد. نمودار یک بر اساس داده‌های بانک جهانی تغییر نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی در فواصل ده ساله از ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۹ را در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، کشورهای با درآمد متوسط، ایران و جهان نشان می‌دهد. این ارقام به‌خوبی میزان پایین سرمایه‌گذاری خارجی در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۸ در ایران را نشان می‌دهد.

^۱ Foreign Direct Investment

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری در یک محیط تجاری است که یک سرمایه‌گذار خارجی کنترل سرمایه بر روی یک پروژه اقتصادی را داخل کشور میزبان انجام می‌دهد.

نمودار ۱- نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی ۱۹۷۹-۲۰۱۹ (درصد)

منبع: (<https://data.worldbank.org/>)

بررسی‌های این پژوهش از داده‌های بانک جهانی، نشانگر افزایش ۱۳ برابری صادرات کالا و خدمات در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۱۹۷۹ در جهان بر اساس قیمت جاری دلار می‌باشد. از آنجایی که در منحنی رشد کشورها، سرعت رشد در سال‌های اولیه بالاتر است، طبیعی است که سهم کشورهای در حال توسعه در این دوره زمانی بالاتر از سهم کشورهای توسعه‌یافته باشد. نسبت صادرات کالا و خدمات در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۱۹۷۹ در آمریکا ۱۰,۹، اتحادیه اروپا ۱۱، کشورهای با درآمد متوسط ۲۰,۶، کره جنوبی ۴۱، ترکیه ۸۶,۲ و در چین ۲۸۵,۶ است. این در حالی است که صادرات کالا و خدمات در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۱۹۷۹ در ایران تنها ۲,۷ برابر شده است. بررسی‌های این پژوهش از داده‌های بانک جهانی در رابطه با نسبت واردات کالا و خدمات در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۱۹۷۹ در جهان نیز نشانگر افزایش ۱۲,۵ برابری است. واردات کالا و خدمات در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۱۹۷۹ در آمریکا ۱۲,۳، اتحادیه اروپا ۹,۷، کشورهای با درآمد متوسط ۲۱,۵، کره جنوبی ۲۹,۱، ترکیه ۴۳,۴ و در چین ۲۳۶,۴ است. این در حالی است که واردات کالا و خدمات در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۱۹۷۹ در ایران تنها ۵,۵ برابر می‌باشد. با توجه به افت قابل ملاحظه واردات کالا و خدمات در سال ۱۹۷۹ به واسطه وقایع ناشی از انقلاب، اگر متوسط پنج‌ساله ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱ را مدنظر قرار دهیم آنگاه این رقم به ۳,۸ تقلیل می‌یابد. در اینجا شکافی میان جهت‌گیری سیاست‌گذاری کلان اقتصادی کشور مبتنی بر برون‌گرایی و خروجی عملکرد اقتصاد کشور طی چهاردهه پس از انقلاب در قالب درون‌گرایی اقتصادی دیده می‌شود. بر این مبنا پرسش اصلی در مقاله حاضر این است که چرا اقتصاد ایران پس از انقلاب بر خلاف اسناد بالادستی سیاست‌گذاری اقتصادی یک اقتصاد درون‌گراست؟ فرضیه مقاله حاضر این است که ماهیت مانتیکوری دولت در ایران پس از انقلاب و ارجحیت کارویژه‌های فراسرزمینی بر کارویژه‌های توسعه‌ای دولت عامل شکل‌گیری اقتصاد درون‌گرا می‌باشد.

۱- پیشینه پژوهش

بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه برون‌گرایی اقتصاد ایران شامل سه دسته می‌شوند؛ دسته اول که در جدول یک قابل مشاهده هستند عمدتاً بر اثر تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر فرآیند رشد اقتصاد ایران تأکید دارند. دسته دوم که در جدول دو قابل مشاهده هستند بر پیامدهای تحریم بر تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اشاره دارند. دسته سوم سعی در طرح موانع اقتصاد سیاسی برون‌گرایی از مجاری مختلف

۱- Exports of goods and services (current US\$)

۲- Imports of goods and services (current US\$)

دارند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: رزمی و همکاران (۱۳۹۰) رابطه تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی را بر اساس شاخص حکمرانی خوب بررسی نموده و نشان داده‌اند در کشورهایی که در آن‌ها وضعیت حکمرانی مناسب است، تجارت بین‌الملل بر روی رشد اقتصاد موثر و مثبت است و در کشورهایی که وضعیت حکمرانی نامناسب است، این رابطه معکوس می‌شود. نیلی و همکاران (۱۳۹۶) خواست و اراده سیاسی را مهم‌ترین اشتراک کشورهایی می‌دانند که در دهه‌های مختلف سیاست برون‌گرایی را اتخاذ نموده‌اند. ابریشمی، درودیان و نوری (۱۳۹۵) به مهم‌ترین دلایل موافقان و مخالفان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران پرداخته‌اند. پسران (۱۴۰۰) آرمان استقلال اقتصادی در ایران پسا انقلابی را در کانون توجه خود قرار داده و رقابت جناح‌های سیاسی مختلف درون جمهوری اسلامی در تفسیر این آرمان و پیامد آن بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی را مورد توجه قرار داده است.

جدول ۱- مطالعات اثر تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصاد ایران

مطالعه	دوره تحقیق	نتایج
آرانی و منصف (۱۴۰۰)	۱۳۹۶-۱۳۵۶	رابطه مثبت و معنی‌دار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تولید ناخالص داخلی
مولایی (۱۳۹۹)	۱۳۹۵-۱۳۷۱	اثر مثبت و معنی‌دار انواع جریان سرمایه خارجی بر رشد اقتصادی
Habibi & Karimi (2017)	۲۰۱۴-۱۹۸۰	رابطه پایدار و بلند مدت بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تولید ناخالص داخلی
Fakher& Abedi (2015)	۲۰۱۳-۲۰۰۰	اثر مثبت و معنی‌دار سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال تکنولوژی بر تولید ناخالص داخلی
غفاری و نیک‌نژاد (۱۳۹۱)	۱۹۹۲-۲۰۱۰	بهبود رشد اقتصادی و سطح زندگی افراد فقیر در صورت استفاده صحیح از جریان سرمایه خارجی
کميجانی و حاجی (۱۳۹۱)	۱۳۸۹-۱۳۳۸	رابطه مثبت و معنی‌دار بین صادرات و رشد اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۲- مطالعات اثر تحریم بر تجارت بین‌الملل و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

مطالعه	دوره تحقیق	نتایج
لوتادی و پسران (۱۴۰۱)	۲۰۲۰-۱۹۸۹	میانگین کاهشی سالانه ناشی از تحریم‌ها برای رشد تولیدات صنعتی ۲,۴ درصد و برای خدمات ۱,۲ درصد می‌باشد.
برقی اسگویی و همکاران (۱۳۹۹)	۱۳۹۷-۱۳۷۰	اصلی‌ترین مانع جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تحریم‌های با شدت زیاد (تحریم بانک مرکزی و تحریم نفت ایران) می‌باشد.
حسنوند و نادمی (۱۳۹۷)	۱۳۹۲-۱۳۵۸	تأثیر منفی و معنی‌دار تحریم‌ها بر صادرات غیرنفتی ایران
Rasoulinezhad (2017)	۲۰۱۵-۲۰۱۶	تحریم‌ها بر روی تجارت ایران با اتحادیه اروپا تأثیر منفی و معنی‌دار و در تجارت با کشورهای آسیایی تأثیر مثبتی داشته است.
Shirazi& Azarbaiejeni & Sameti (2016)	۲۰۱۴-۲۰۱۲	به واسطه تحریم‌های اقتصادی حجم صادرات ایران به صورت متوسط سالانه ۳۳ درصد کاهش یافته و جمع زیان ایران طی دوره مورد بررسی ۱۰۴ میلیارد دلار می‌باشد.
Rasoulinezhad & Popova (2016)	۲۰۱۳-۲۰۰۶	تحریم‌ها بر روی تجارت ایران با اتحادیه اروپا تأثیر معنی‌دار و منفی و در تجارت با کشورهای آسیایی تأثیر مثبتی داشته است.

اثرات مستقیم تحریم بر دو متغیر رشد اقتصادی و رابطه مبادله منفی و معنادار است.	۱۳۵۷-۱۳۸۹	گرشاسبی و یوسفی (۱۳۹۵)
اثر تحریم نفت بر متغیرهای کلیدی اقتصاد و سیستم سیاسی معنی دار، اما به دلیل انطباق سیستم اقتصادی با تحریم‌ها محدود به یک دوره ۲ تا ۴ ساله است.	-	Faraji Dizaji & van Bergeijk (2012)
افزایش موانع تجارت در سال ۱۳۹۱ به‌طور عمده ناشی از افزایش نرخ ارز و در سال ۱۳۹۲ ناشی از تحریم‌هاست.	۱۳۹۱-۱۳۹۲	رحمتی و همکاران (۱۳۹۵)
هزینه تحریم‌های تجاری و مالی ایران، حدود ۱,۱ درصد GDP	-	Torbat (2005)

منبع: یافته‌های پژوهش

۲- چارچوب نظری

در این پژوهش از رویکرد نهادگرایی تاریخی با تمرکز بر سیر تکوین و تحول نهادی دولت بهره خواهیم برد. امروزه نهادگرایی یک سنت بزرگ در تحلیل‌های اقتصادی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و... محسوب می‌شود. تحلیل‌های نهادی عمدتاً تحلیل‌های بین‌رشته‌ای محسوب می‌شوند و از ظرفیت رشته‌های علوم سیاسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ و... جهت تبیین پدیده‌ها بهره می‌گیرند. تمرکز نهادگرایی تاریخی بر ارتقای فهم دانشمندان علوم سیاسی در رابطه با منشا، تکوین و پیامدهای ناشی از نهادهای ساخته دست بشر طی زمان و مکان است (Fioretos, et al, 2016: 4-5). نهادگرایان تاریخی از مفهوم «مقاطع سرنوشت‌ساز»^۱ به‌عنوان ابزار مفهومی کلیدی برای تبیین‌های نظری خود بهره می‌برند. مفهوم مقاطع سرنوشت‌ساز اشاره به رویدادها و تحولات گذشته دارد که در دوره نسبتاً کوتاهی حادث شده‌اند و اثر تعیین‌کننده‌ای در پیامدهای بعد از خود دارند. در نهادگرایی تاریخی، مقاطع سرنوشت‌ساز به‌عنوان لحظه‌ای از عدم قطعیت و سیالیت ساختاری تصور می‌شود که گزینه‌های مختلف نوآوری و تغییر نهادی را پیش‌روی ما قرار می‌دهد. یک انتخاب به‌عنوان نتیجه تعاملات سیاسی و تصمیم‌گیری‌ها صورت می‌پذیرد و این انتخاب اولیه میراث نهادی ماندگاری را با خود به دنبال خواهد داشت (Capoccia, 2016: 90-102).

از نظر عجم اوغلو و رایینسون، نهادها با تفسیر بسیار گسترده از آن‌ها، علت بنیادی رشد اقتصادی و توسعه متفاوت در بین کشورها هستند و تدوین چارچوبی منسجم برای درک چرایی و چگونگی تفاوت نهادها بین کشورهای مختلف و اینکه نهادها چگونه تغییر می‌یابند، امکان‌پذیر است (عجم اوغلو و رایینسون، ۱۳۹۳: ۲۷۶). آن‌ها همچنین بر این باورند که این فرآیند سیاسی است که نهادهای اقتصادی را مشخص می‌کند که مردم بر اساس آن‌ها زندگی می‌کنند و این نهادهای سیاسی هستند که تعیین می‌کنند مردم تحت لوای کدامین نهادهای اقتصادی زندگی کنند و باز این نهادهای سیاسی هستند که چگونگی کارکرد این فرایند را رقم می‌زنند (همان: ۷۰-۶۹). کولی معتقد است عامل اصلی انتخاب مسیرهای مختلف توسعه اقتصادی در آسیا و آمریکای لاتین، سیاسی است و ریشه در الگوهای متفاوت مداخله دولت در اقتصاد دارد و این الگوی مداخله خود متأثر از فرایند شکل‌گیری دولت در مناطق مختلف می‌باشد. اینکه چرا برخی دولت‌های متأخر در فرایند توسعه دارای عملکرد بهتری در بهبود رشد نسبت به سایر دولت‌ها هستند بیشتر تابع درجه کیفیت مداخله دولت است. کیفیت مداخله دولت، به نوبه خود نشان‌دهنده انواع مختلف دولت‌هایی است که بر کشورهای در حال توسعه حکومت می‌کنند. از آنجایی که دولت‌ها نهادهای اجبارگری هستند که ایدئولوژی و ظرفیتشان را در طول زمان به دست می‌آورند، نگرش

نهادگرایی تاریخی برای پرداختن به معمای نقش و اثرگذاری دولت در رشد و توسعه اقتصادی بسیار موثر خواهد بود (kohli, 2016: 168-179).

از نظر ایوانز دولت را باید نهاد و عاملی اجتماعی در نظر گرفت که وزن خاص خود را دارد و بر روند دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی اثر می‌گذارد حتی اگر توسط آن‌ها شکل گرفته باشد. اقدامات دولت و پیامدهای آن بر توسعه در بستر امکان‌پذیر است که دولت در آن غوطه‌ور است. تحلیل نهادی که از تفاوت‌های بستر آغاز می‌شود و سپس یافتن قانونمندی‌های اساسی را هدف قرار می‌دهد، تنها راه پیشروی است (اوانز، ۱۳۸۰: ۵۴-۷۲). اوانز همچنین بر این نکته تاکید دارد که هرگونه نگرش درباره دولت که مبتنی بر اقتصاد سیاسی نهادی باشد درباره ساختار درونی دولت و خصلت روابط دولت دیدگاه روشنی داشته باشد (همان: ۸۶). بر مبنای بینشی که نهادگرایان تاریخی پیش‌روی ما می‌گذارند دولت‌ها دارای سیر تکوین و تحول نهادی نسبتاً منحصربه‌فردی هستند و از این رو با یکدیگر متفاوت هستند. اگر بخواهیم تمایز در عملکرد دولت‌ها را در حوزه‌های مختلف تبیین نمائیم بایستی تفاوت در سیر تکوین و تحول نهادی آن‌ها را مورد توجه قرار دهیم. به تعبیر دیگر سرنوشت توسعه کشورها تابعی از جهت‌گیری دولت است و برای فهم جهت‌گیری توسعه دولت بایستی ماهیت دولت را مورد توجه قرار داد. فهم ماهیت دولت نیز مستلزم تبیین سیر تکوین و تحول نهادی آن می‌باشد. از این رو جهت تبیین معمای اقتصاد سیاسی درون‌گرایی در جمهوری اسلامی از رویکرد نهادگرایی تاریخی با تمرکز بر تکوین و تحول نهادی دولت در جمهوری اسلامی بهره خواهیم برد. انقلاب ۱۳۵۷ به‌عنوان مقطعی سرنوشت‌ساز، اثر تعیین‌کننده‌ای در تحول نهادی دولت در ایران پس از انقلاب و شکل‌گیری نوع منحصربه‌فردی از دولت داشته است. تحولات صورت گرفته در سال‌های اول پس از انقلاب جهت تثبیت نظام نوپای انقلابی و تغییر ماهیت دولت میراث ماندگاری را بر جای گذاشته است که پیامدهای تعیین‌کننده‌ای بر اقتصاد سیاسی ایران در حوزه‌های مختلف از جمله برون‌گرایی اقتصادی طی بیش از چهاردهه پس از انقلاب بر جای گذاشته است.

۳- دولت مانتیکوری

برخی پژوهشگران ماهیت مرکب دولت در ایران را مورد توجه قرار داده‌اند (فیرحی: ۱۳۹۷، سیف‌زاده: ۱۳۹۵ و حجاریان: ۱۳۷۹) ولی ارائه صورت‌بندی مفهومی از ماهیت مرکب دولت در ایران پس از انقلاب که واجد ظرفیت جهت تبیین پارادوکس‌ها و تعارضات درونی دولت و پیامدهای اقتصاد سیاسی آن در حوزه‌های مختلف باشد کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش از مفهوم «دولت مانتیکوری»^۱ برای تبیین ماهیت منحصربه‌فرد دولت در جمهوری اسلامی و فهم منطق اقتصاد سیاسی درون‌گرایی بهره خواهیم برد. مفهوم دولت مانتیکوری اشاره به ماهیت مرکب نهاد دولت از اجزای مختلف با منشاء و خاستگاه متفاوت دارد. دولت مانتیکوری دولتی است که در «ایده»، «ساختار» و «کارویژه‌های» خود یک دولت مرکب است. در یک تعبیر ساده ایده دولت در جمهوری اسلامی همانطور که از عنوان آن پیداست ایده‌ای مرکب از جمهوریت و اسلامیت است. منشاء و خاستگاه اجزای این ترکیب نهادی متفاوت است: در حالی که خاستگاه جمهوریت ریشه در دولت مدرن دارد، مبتنی بر مشروعیت زمینی است و به دنبال تحقق حاکمیت ملت است. خاستگاه اسلامیت ریشه در دولت سنتی داشته، مبتنی بر مشروعیت الهی است و به دنبال تحقق حاکمیت خداوند در زمین است. ساختار دولت در جمهوری اسلامی

^۱ Manticore State

مانتیکور موجودی افسانه‌ای نشأت گرفته از افسانه‌های ایران باستان است. این جانور سر و چهره یک انسان و بدنی حیوانی دارد. بدن آن قهوه‌ای رنگ و به شکل شیر و دم آن نیز مانند دم کژدم می‌باشد. نام دیگر این موجود مردخوار است. منبع:

(<https://www.etymonline.com/search?q=manticore>)

نیز مرکب است، ارکانی همچون ولایت فقیه و شورای نگهبان از اسلامیت دولت نشأت گرفته و نهادهایی همچون مجلس و انتخابات از جمهوریت نظام نشأت گرفته‌اند. کارویژه‌های دولت نیز متأثر از ایده سازنده و ساختار دولت، مرکب و متفاوت می‌باشند. از این رو کارویژه‌های دولت ماتیکوری در حوزه‌های مختلف الزاما سازگار و هماهنگ با یکدیگر نیستند.

دولت ماتیکوری در بستر اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرد که نیروهای سنتی و مدرن، امکان حذف ایده یکدیگر از عرصه رقابت سیاسی را ندارند و ناگزیرند با وجود اینکه نگرش‌های مختلفی به جهان، انسان و زندگی دارند بر سر چارچوبی از قواعد زندگی سیاسی توافق نمایند. از این رو دولت ماتیکوری در ایران پس از انقلاب دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که در زیر به آن می‌پردازیم:

۱- یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دولت ماتیکوری تجزیه منابع مشروعیت دولت است. در حالی که در دولت مدرن، مشروعیت دولت از آسمان به زمین و از مشروعیت الهی به مشروعیت زمینی انتقال یافت در دولت ماتیکوری مشروعیت دولت میان زمین و آسمان معلق مانده است. بنابراین در حالی که در دولت مدرن، انفکاک ساختاری وجود دارد، حوزه سیاست از سایر حوزه‌ها بویژه مذهب مستقل است، کارکرد دولت معطوف به خیر عمومی است و نقش نگهبان را بازی می‌کند. اما در دولت ماتیکوری ترکیب حوزه سیاست و مذهب وجود دارد، مرزهای مذهب و سیاست مبهم و درهم است و دولت نقش مربی به خود می‌گیرد.

۲- بر مبنای چارچوب تئوریک دولت ماتیکوری، تعارض در ایده سازنده دولت منجر به تعارض در ساختار دولت می‌شود، تعارض در ساختار دولت منجر به تعارض در کارویژه‌های دولت و تعارض در کارویژه‌های دولت منجر به تعارض در اهداف دولت می‌شود. این تعارض در اهداف به تعارض در سیاست‌گذاری کشور در حوزه‌های مختلف منجر خواهد شد. از این رو تصریح اولویت‌ها در حوزه‌های مختلف سیاست‌گذاری و دستیابی به اهداف با توجه به ماهیت مرکب و متعارض دولت بسیار دشوار خواهد بود. دولت ماتیکوری به واسطه پارادکس‌های درونی خود در بحران دائمی است و بحران دستاورد، بخشی از ویژگی ذاتی دولت ماتیکوری محسوب می‌گردد. این مسئله در میزان دستیابی به اهداف اسناد بالادستی کشور همچون سند چشم‌انداز بیست‌ساله ۱۴۰۴ و طولانی شدن پروسه تهیه سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که چشم‌اندازی پنجاه‌ساله را در سیاست‌گذاری کشور تدارک دیده مشهود است.

۳- دولت ماتیکوری در ایران پس از انقلاب دارای گرایش‌های امت‌گرایانه است و از این رو گرایش‌های فراسرزمینی دارد. پارادایم فقه اسلامی که فکر و عمل روحانیون به‌عنوان نخبان مسلط ایران پسا انقلابی را شکل می‌داد از نظر قواعد درونی و اصول حاکم بر آن یک پارادایم امت‌گرایانه است. بنابراین زمانی که روحانیون به‌عنوان اکثریت اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی پس از انقلاب در موقعیت دولت‌سازی قرار گرفتند، در درون پارادایمی اندیشیده و عمل نمودند که ماهیت فراسرزمینی داشت و به همین دلیل کارویژه‌های فراسرزمینی همچون تشکیل محور مقاومت، مبارزه با نظام سلطه به رهبری امریکا، عدم پذیرش نظم بین‌الملل موجود، صدور انقلاب، حمایت از مستضعفین در سراسر جهان و... را به کارویژه‌های دولت افزودند. ذکر این نکته ضروری است که گرایش‌های امت‌گرایانه فقه اسلامی تنها دلیل شکل‌گیری کارویژه‌های فراسرزمینی دولت در ایران پس از انقلاب نبود بلکه زمینه تاریخی روابط ایران و قدرت‌های بزرگ جهانی و وضعیت نیمه استعماری ایران طی دو قرن قبل، وقوع انقلاب ایران در دوره جنگ سرد و قرارگیری رژیم پهلوی در بلوک غرب و همکاری‌های نزدیک سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران و امریکا در این دوره، شکل‌گیری تخاصم در روابط ایران و امریکا پس از انقلاب و جنگ ایران و عراق و تثبیت موقعیت نظامیان در نظام نوپای انقلابی در شکل‌گیری و تثبیت کارویژه‌های فراسرزمینی دولت با محور سیاست میدان نقش موثری داشتند.

۴- کارویژه‌های ماتیکوری، تحریم و پیامدهای اقتصادی

همانطور که اشاره کردیم دولت مانتیکوری دولتی است که در «ایده»، «ساختار» و «کارویژه‌های» خود یک دولت مرکب است. بررسی کارویژه‌های مرتبط دولت با حوزه برون‌گرایی اقتصادی نشان می‌دهد دولت در ایران پس از انقلاب دو دسته کارویژه‌های توسعه‌ای و فراسرزمینی بر عهده داشته است. بر مبنای کارویژه‌های توسعه‌ای، دولت به دنبال گسترش تجارت بین‌الملل، توسعه همکاری‌های اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. بر مبنای کارویژه‌های فراسرزمینی، تشکیل محور مقاومت، مبارزه با نظام سلطه به رهبری امریکا، عدم پذیرش نظم بین‌الملل موجود، صدور انقلاب، حمایت از مستضعفین در سراسر جهان و... در دستور کار دولت است. کارویژه‌های دولت در حوزه برون‌گرایی اقتصادی متأثر از ایده سازنده و ساختار دولت، کارویژه‌های مرکب و متعارض هستند، از این رو پیامدهای تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری درون‌گرایی اقتصادی در ایران پس از انقلاب بر عهده دارند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

کارویژه‌های فراسرزمینی در ایران پس از انقلاب نشانگر شکل‌گیری دولتی است که از بدو تاسیس برای خود رسالت جهانی قائل بود و خود را به ابعاد کوچکتر محدود نمی‌کرد. به این ترتیب جمهوری اسلامی از یک بازیگر در حد و اندازه‌های خود فراتر رفته و به دنبال تغییر در نظم بین‌الملل است. در دهه اول پس از انقلاب این رویکرد ساختارشکنانه که توأم با انکار نظم جهانی و ضربه سیاسی به نظم دو قطبی صورت پذیرفت، از طرف امریکا و اتحاد شوروی به‌عنوان تهدید امنیتی و استراتژیک محسوب گردیده و ضرورت مقابله با آن به وسیله جنگ فرسایشی با عراق اجتناب‌ناپذیر گردید. در دوره جنگ سرد، امریکا و شوروی به موازات رقابت‌های ژئوپولیتیک و ایدئولوژیک، برای مقابله با کشورهای رادیکال منطقه‌ای همچون جمهوری اسلامی با یکدیگر تفاهم داشتند. هر دو ایران پس از انقلاب را بازیگری می‌دانستند که به دنبال تغییر قواعد، ساختار و فرآیندهای بین‌المللی است و ضرورت کنترل چنین بازیگری از طریق موازنه قدرت منطقه‌ای را ضروری می‌دانستند. اگرچه مولفه‌های دیگر همچون شخصیت صدام حسین، تضادهای سیاسی-فرهنگی ایرانی و عراقی و همچنین رقابت‌های ژئوپولیتیک دو کشور همواره زمینه‌های لازم برای تنش سیاسی ایران و عراق را به وجود می‌آورد، جنگ عراق علیه ایران را می‌توان انعکاس مدیریت استراتژیک حوزه‌های ژئوپولیتیک قدرت‌های بزرگ دانست (متقی، ۱۳۸۸: ۱۸-۱۷؛ صالحی، ۱۳۹۰: ۱۵۱). برای کشوری که یک دهه درگیر بی‌ثباتی‌های سیاسی ناشی از انقلاب و جنگ فرسایشی بود، توسعه همکاری اقتصادی، گسترش تجارت بین‌الملل و جذب سرمایه‌گذاری خارجی اولویت اول محسوب نمی‌شد و حتی در صورتی که چنین سیاست‌هایی ارجحیت می‌یافت عملی نمودن آن ممکن نبود.

با پایان جنگ و با روی کار آمدن هاشمی رفسنجانی در مقام ریاست جمهوری، تنش‌زدایی در روابط ایران و امریکا در دستور کار قوه مجریه قرار گرفت. امریکایی‌ها در این مقطع خواهان این بودند تا ایران از نفوذ خود برای آزادی‌گروگان‌های غربی در لبنان استفاده کند. هاشمی رفسنجانی برای نشان دادن حسن‌نیت دولت خود نیروهای انقلابی لبنان را متقاعد ساخت تا گروگان‌های غربی را آزاد کنند به‌طوری که تا اواخر سال ۱۳۷۰ کلیه گروگان‌ها بجز دو آلمانی آزاد شدند اما دولت بوش با متهم نمودن جمهوری اسلامی برای تولید سلاح کشتار جمعی، حمایت از تروریسم، اخلال در روند صلح خاورمیانه و نقض حقوق بشر مانع از بهبود این روابط گردید. مبارزه با نظام سلطه به رهبری امریکا، حمایت ایران از گروه‌های مقاومت و تخاصم با اسرائیل بخشی از کارویژه‌های فراسرزمینی دولت در ایران پس از انقلاب بود که مانع مهمی در عادی‌سازی روابط ایران و امریکا در دولت بوش (پدر) به‌شمار می‌رفت. دولت کلinton که در اوایل بهمن ۱۳۷۱ بر سر کار آمده بود استراتژی مهار دوگانه مبتنی بر مهار دو کشور ایران و عراق را در پیش گرفت، اهداف ایالات متحده در دوره بوش و کلinton از مهار ایران عمدتاً مبتنی بر تغییر رفتار در رابطه با کارویژه‌های فراسرزمینی آن بود. در راستای سیاست مهار دوگانه، کنترل صادرات و واردات، ممنوعیت کمک و تخصیص اعتبار، جلوگیری از اعطای وام از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به ایران صورت پذیرفت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۲۱-۴۲۰). دولت هاشمی رفسنجانی در اسفند ۱۳۷۳ قرارداد

یک میلیارد دلاری جهت توسعه دو میدان نفتی فراساحلی با شرکت امریکایی کونوکو امضا نمود. اندکی پس از امضای قرارداد، ایالات متحده امریکا اعلام کرد مانع اجرای قرارداد خواهد شد و آن را تهدید امنیت ملی برای امریکا خواند. کلیتون ضمن متهم نمودن ایران به تلاش برای دستیابی به فناوری اتمی به منظور گسترش ساخت سلاح‌های اتمی، طی دو فرمان اجرایی، تحریمی جدید علیه سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران وضع نمود و هرگونه روابط اقتصادی با ایران شامل معاملات تجاری و مالی را منع کرد (موسویان، ۱۴۰۰: ۱۹۵).

خاتمی که در خرداد ۱۳۷۶ توسط مردم به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب گردید، به دنبال آن بود تا از طریق گفتگوی مستقیم با مردم و غیرمستقیم با دولت امریکا، سیاست هاشمی رفسنجانی را جهت پرهیز از تقابل با این کشور تعمیق نماید. وی در ۲۳ آذر ۱۳۷۶ خطاب به مردم جهان، مراتب احترام خود به مردم امریکا را اعلام داشت. مادلین آلبرایت وزیر وقت امور خارجه امریکا در ۲۶ اسفند ماه ۱۳۷۸ طی یک سخنرانی از جایگاه و منزلت فرهنگی و تمدنی والا و اهمیت ژئوپولیتیک ایران تمجید کرد و به نقش امریکا در کودتای ۲۸ مرداد معترف شد. وزرای خارجه ایران و امریکا در ۲۷ شهریور ۱۳۷۹ در اجلاس ۲+۶ درباره بحران افغانستان در نیویورک پس از بیست سال از قطع روابط دیپلماتیک دو کشور روبه‌روی هم نشستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۷۲-۴۶۸). به دنبال تنش‌زدایی در روابط ایران و غرب، بویژه در دوره خاتمی، دولت کلیتون در اردیبهشت ۱۳۷۸ با اتحادیه اروپا توافق‌نامه‌ای امضا کرد که به کنسرسیومی از جمله شرکت فرانسوی توتال، اس‌ای، پتروناس مالزی و گاز پترولیوم روسیه اجازه داد برای دستیابی به قرارداد اکتشاف نفتی دو میلیارد دلاری خود با ایران، به‌طور موقت از قانون تحریم‌های ایران و لیبی (۱۹۹۶) به ازای تضمین‌های معین مبنی بر اینکه اتحادیه اروپا به ایالات متحده کمک کند تا از دستیابی ایران به سلاح‌های کشتار جمعی جلوگیری کند، تخطی نماید (پسران، ۱۳۹۹: ۲۲۶).

پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۰ شهریور ۱۳۸۰) ایران از نخستین کشورهایی بود که حمله تروریستی به برج‌های دوقلوی نیویورک را محکوم نمود. ایران همچنین با امریکایی‌ها در به زیر کشاندن طالبان و ریشه‌کن کردن تروریسم منطقه به رهبری القاعده و تهیه چارچوبی برای تشکیل دولت پس از طالبان در افغانستان حمایت کرد. علی‌رغم بهبود اولیه در روابط ایران و امریکا در دولت خاتمی، توقیف کشتی کارین-آ روند بهبودی روابط را معکوس نمود. در ۲۴ دی ۱۳۸۰ وزارت دفاع اسرائیل کنترل کشتی به نام کارین-آ را به‌دست گرفت که در حال قاچاق پنجاه تن تسلیحات جنگی و تجهیزات خرابکاری به داخل سرزمین‌های تحت اشغال فلسطینی بود. بر مبنای اظهارات ژنرال موفاز وزیر دفاع اسرائیل، بیشتر این سلاح‌ها از مبداء ایران بود. ماجرای کارین-آ هر آنچه را ایران و امریکا روی آن کار کرده بودند به‌طور کلی تخریب کرد. سه هفته بعد از این حادثه جورج بوش رئیس‌جمهور امریکا، طی یک سخنرانی ایران را در کنار عراق و کره شمالی محور شرارت نامید (موسویان، ۱۴۰۰: ۲۵۵-۲۶۲).

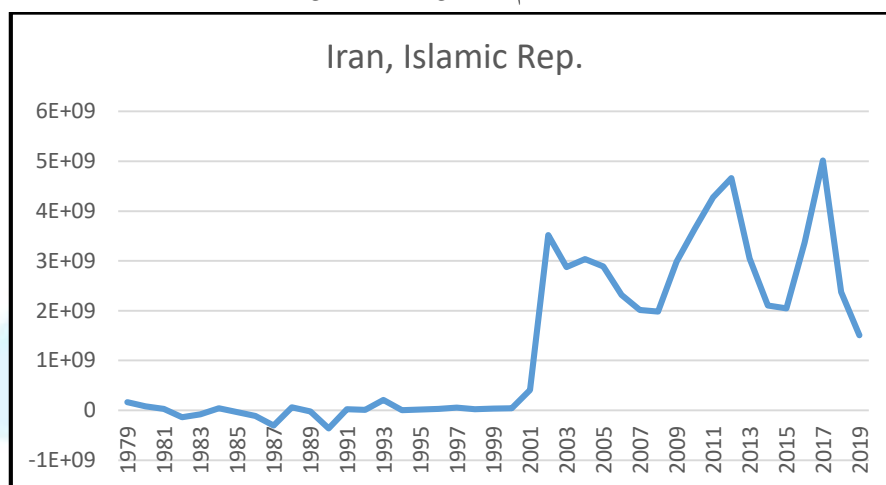
با روی کار آمدن احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ و تغییر رویکرد دولت وی، تنش میان ایران و غرب بر سر پرونده هسته‌ای ایران بالا گرفت. در نتیجه پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع و شش قطعنامه در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ ذیل فصل هفتم اساسنامه سازمان ملل متحد علیه ایران صادر گردید. اروپا، چین و روسیه زمانی به تحریم ملحق شدند که واشنگتن به آن‌ها اطمینان داد تحریم جایگزین جنگ است، مقامات امریکایی در این ارتباط بارها تاکید می‌کردند که اگر اروپا، روسیه و چین مایل نیستند درگیر جنگ شوند باید به تحریم بپیوندند (زهرانی، ۱۳۸۹: ۶۰). اگرچه موافقت‌نامه ایران با گروه کشورهای ۵+۱ در سال ۲۰۱۵ که طرح اقدام مشترک یا همان برجام خوانده می‌شد عامل فروپاشی بخش بزرگی از رژیم تحریم‌ها علیه ایران گردید اما خروج یکجانبه امریکا از برجام توسط دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸ و اعمال تحریم‌های یکجانبه از طرف ایالات متحده علیه ایران منجر به بازگشت بسیاری از تحریم‌ها و شکل‌گیری تحریم‌های جدید گردید. امریکا در بیانیه خروج از برجام با اشاره به فعالیت منطقه‌ای ایران در کشورهایمانند سوریه، عراق، یمن و لبنان

اظهار نمود تحریم‌های جدید ایران را وادار خواهد کرد که در سیاست‌های منطقه‌ای خود تجدید نظر کند. بر مبنای این بیانیه ایران بایستی تحرکات منطقه‌ای خود را به حداقل رسانده و از تهدید اسرائیل، تحریک حوثی‌های یمن، حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی و ایجاد بی‌ثباتی در منطقه خودداری کند (اقتصاد نیوز، ۱۳۹۷/۲/۱۹).

پیامد غلبه کارویژه‌های فراسرزمینی بر کارویژه‌های توسعه‌ای دولت در جمهوری اسلامی، شکل‌گیری طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها علیه ایران است. کمتر کشوری را طی چهار دهه گذشته می‌توان یافت که از نظر گستره، شدت و اندازه تحریم‌ها طی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۹ با ایران برابری نماید. تحریم‌ها با اختلال در فرایند واردات و صادرات کالا و خدمات و ورود و خروج سرمایه می‌تواند سیاست برون‌گرایی اقتصادی و در نتیجه دستیابی به رشد اقتصادی بالا و پایدار در ایران را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. بررسی داده‌های بانک جهانی در رابطه با مجموع جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ میان سه کشور ایران، ترکیه و کره جنوبی طی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۹ نشان می‌دهد این رقم در کره جنوبی ۲۳۹ میلیارد دلار، در ترکیه ۲۳۲ میلیارد دلار و در ایران ۵۴ میلیارد دلار یعنی کمتر از یک چهارم ترکیه و کره جنوبی می‌باشد. بررسی‌های دقیق‌تر داده‌های بانک جهانی در رابطه با نوسان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نمودار دو به‌خوبی اثر تغییر رویکرد در سیاست خارجی ایران و پیامدهای آن بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود جهش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۰۱ رخ داده است و پیش از آن این رقم قابل توجه نمی‌باشد. مهم‌ترین عوامل جهش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این مقطع زمانی، تنش‌زدایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دولت اصلاحات، افزایش قیمت نفت و تدوین قانون جدید جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد. افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی در تقارن با بهبود روابط خارجی ایران در دولت اصلاحات منجر به جهش سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی توسط شرکت‌های چندملیتی گردید. همچنین بر مبنای قانون «تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی» مصوب سال ۱۳۸۱ و با تضمین عدم سلب مالکیت و ملی کردن سرمایه‌های خارجی، عدم تبعیض بین سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی و آزادی انتقال سود و اصل سرمایه روند جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صعودی گردید. طی بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸ شاهد روند نزولی، و پس از آن شاهد روند صعودی جذب سرمایه‌گذاری خارجی تا سال ۲۰۱۲ هستیم. از سال ۲۰۱۲ و با تکمیل شدن زنجیره تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل و اتحادیه اروپا علیه ایران بر سر مناقشه اتمی، شاهد کاهش روند جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تا سال ۲۰۱۵ هستیم. با توافق برجام و لغو تحریم‌های هسته‌ای شاهد روند افزایش نمودار تا ۲۰۱۷ هستیم و با خروج امریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های یکجانبه امریکا، روند نمودار کاهشی می‌گردد.

^۱ Foreign direct investment, net inflows (BOP, current US\$)

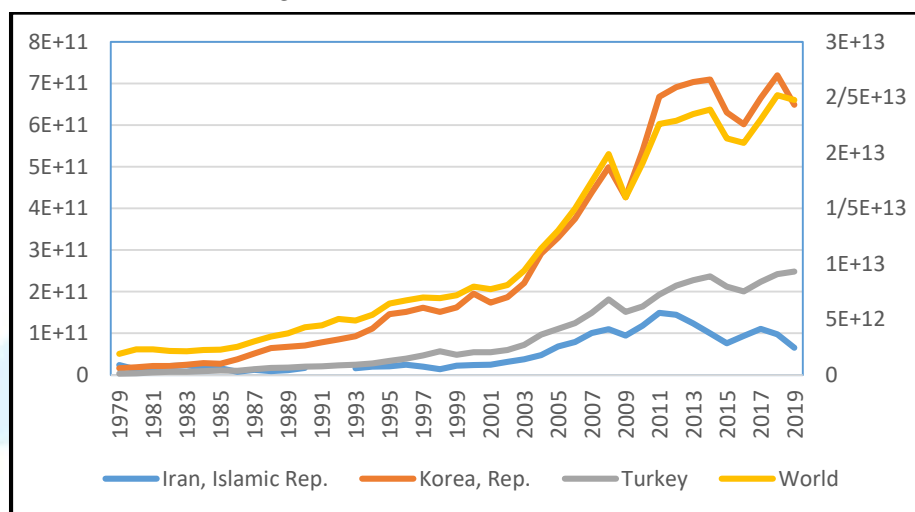
نمودار ۲- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران طی سال‌های ۱۹۷۹-۲۰۱۹

منبع: (<https://data.worldbank.org/>)

نمودار سه بر اساس داده‌های بانک جهانی، روند تحول صادرات کالا و خدمات^۱ ایران در مقایسه با ترکیه، کره جنوبی و جهان در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۹ را نشان می‌دهد. ارزش صادرات کالا و خدمات دو کشور ترکیه و کره جنوبی در سال ۱۹۷۹ پایین‌تر از ایران است، این دو کشور طی چهار دهه پس از آن رویکرد تعاملی را در اقتصاد سیاسی بین‌الملل در پیش گرفتند و با استفاده از ظرفیت‌های جهانی شدن اقتصاد به رشدهای بالایی دست یافتند و به شکل مستمر بر فاصله خود با ایران افزودند. همانطور که مشاهده می‌شود عملکرد ایران نیز طی این دوره یکسان نبوده و با تغییر رویکرد قوه مجریه در ادوار مختلف، نتایج متفاوتی به دست آمده است. در دوره جنگ صادرات کالا و خدمات دارای نوسان و عمدتاً کاهشی است، با پایان جنگ و اتخاذ رویکرد تنش‌زدایی در سیاست خارجی شاهد افزایش نمودار با شیب کم هستیم. روند افزایشی نمودار از سال ۲۰۰۱ با افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی در تقارن با بهبود روابط خارجی ایران در دولت اصلاحات صورت پذیرفته است، این روند همزمان متأثر از رشد اقتصاد جهانی به واسطه فرآیندهای ناشی از جهانی شدن می‌باشد. طی بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸ شاهد روند نزولی و پس از آن شاهد روند صعودی نمودار تا سال ۲۰۱۲ هستیم. روند کاهشی صادرات کالا و خدمات طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ اثر تحریم‌های بانکی و تحریم فروش نفت ایران توسط شورای امنیت سازمان ملل و اتحادیه اروپا را نشان می‌دهد، روند افزایشی نمودار از سال ۲۰۱۵ با توافق برجام و لغو قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران و روند کاهشی نمودار از سال ۲۰۱۷ با خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های یکجانبه آمریکا همراه است. بررسی واردات کالا و خدمات نیز روند نسبتاً مشابهی را نشان می‌دهد.

^۱ Exports of goods and services (current US\$)

نمودار ۳- صادرات کالا و خدمات در ایران، ترکیه، کره جنوبی و جهان ۱۹۷۹-۲۰۱۹



منبع: (https://data.worldbank.org/)

نتیجه

در این مقاله به تبیین معمای اقتصاد سیاسی درون‌گرایی در ایران پس از انقلاب بر مبنای بینش نهادگرایان تاریخی و صورت‌بندی مفهوم نظری جدیدی به نام «دولت مانتیکوری» پرداخته شد؛ این شیوه نگرش به اقتصاد سیاسی ایران دارای یک تمایز بنیادی با شیوه نگرش اقتصادی می‌باشد. اقتصاددانان مسئله ماهیت دولت و پیامدهای آن بر سیاست‌گذاری را نادیده می‌گیرند در حالی که بر مبنای بینشی که نظریه دولت مانتیکوری در اختیار ما قرار می‌دهد فهم سیاست‌گذاری اقتصادی دولت در جمهوری اسلامی مستلزم فهم ماهیت مانتیکوری دولت و منطق اقتصاد سیاسی منحصره‌فرد آن است. دولت مانتیکوری در ایران پس از انقلاب اشاره به تنگنای نهادی دارد که قوه مجریه را احاطه کرده و قیدهای مهمی را در حوزه سیاست‌گذاری بر آن تحمیل نموده است. از این رو عملکرد قوه مجریه درون بستر نهادی دولت مانتیکوری تحدید گردیده و تبیین عملکرد آن در ادوار گوناگون پس از انقلاب در حوزه‌های مختلف از جمله برون‌گرایی اقتصادی بایستی بر این مبنا صورت گیرد. برخی پژوهشگران جهت تبیین معمای اقتصاد سیاسی درون‌گرایی، متغیر سیاست‌گذاری را به‌عنوان متغیر مستقل در نظر می‌گیرند، این پژوهش با در نظر گرفتن «ماهیت دولت» به‌عنوان متغیر مستقل، توجه خود را از «سیاست‌گذاری» معطوف به عنصر بنیادی‌تر یعنی «سیاست» نموده است. مبنای تبیین‌های اقتصاد سیاسی در رویکرد حاضر بر بنیاد بررسی ماهیت مانتیکوری دولت در «ایده سازنده»، «ساختار» و «کارویژه»‌های آن می‌باشد. در تبیین اقتصاد سیاسی درون‌گرایی در جمهوری اسلامی اگرچه کارویژه‌های توسعه‌ای دولت مبتنی بر برون‌گرایی است اما سیر تکوین و تحول نهادی دولت نشان می‌دهد مجموعه پیچیده‌ای از عوامل تاریخی، ژئوپولیتیک و ایدئولوژیک منجر به افزوده شدن کارویژه‌های فراسرزمینی و تعارض آن با کارویژه‌های توسعه‌ای دولت گردیده که پیامد اقتصاد سیاسی آن درون‌گرایی می‌باشد. از این رو جهت خروج از معمای اقتصاد سیاسی درون‌گرایی به تصمیم‌گیران اصلی نظام سیاسی توصیه می‌گردد ضمن بررسی ابعاد مختلف کارویژه‌های توسعه‌ای و فراسرزمینی دولت در حوزه برون‌گرایی اقتصادی، کارویژه‌هایی که دارای پیامدهای متعارض بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی، گسترش تجارت بین‌الملل و توسعه همکاری‌های اقتصادی می‌باشند را شناسایی نمایند. سپس با تغییر رویکرد در نحوه دستیابی به کارویژه‌های مختلف، سطح تعارض کارویژه‌ها جهت تحقق برون‌گرایی اقتصادی را به حداقل برسانند. لازم به ذکر است خروج از بن‌بست اقتصاد سیاسی درون‌گرایی، تنها با رویکردهای جدید سیاست‌گذاری توسط قوه مجریه امکان‌پذیر نمی‌باشد و این مسئله مستلزم تحول نهادی دولت مانتیکوری است.

فهرست منابع منابع فارسی

- ۱- ابریشمی، مهدی؛ حسین درودیان و مهدی نوری (۱۳۹۵)، چالش‌های اقتصاد ایران، تقابل دیدگاه‌های رقیب، تهران: انتشارات نور علم.
- ۲- اوانز، پیتز (۱۳۸۰)، توسعه یا چپاول، نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۳- برقی اسگویی، محمدمهدی؛ مصطفی شکری؛ محمدعلی متفکرآزاد و محمدرضا سلمانی بیشک (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی و نااطمینانی نرخ ارز بر جذب FDI در ایران: رویکرد فازی»، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، دوره ۱۱، شماره ۳، ۵۹-۳۳.
- ۴- پسران، ایوالیلا (۱۴۰۰)، مبارزه ایران برای استقلال اقتصادی، اصلاحات و ضد اصلاحات در دوران پس از انقلاب، ترجمه زهرا عبدالمحمدی و مهسا کریمی، تهران: نشر نهادگرا.
- ۵- حجاریان، سعید (۱۳۷۹)، جمهوریت، افسون‌زدایی از قدرت، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۶- حسنوند، داریوش؛ علی‌اکبر حسنوند و یونس نادمی (۱۳۹۷)، «تأثیر تحریم‌ها بر صادرات غیرنفتی ایران»، فصلنامه سیاست‌های راهبری و کلان، دوره ۶، شماره ۴، زمستان، ۶۸۴-۶۶۶.
- ۷- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال‌الدین (۱۳۹۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۸- رحمتی، محمدحسین؛ علی کریمی‌راد و سید علی مدنی‌زاده (۱۳۹۵)، «بررسی اثر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران در رکود ۱۳۹۱-۱۳۹۲»، تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۱، شماره ۳، پاییز، ۵۹۴-۵۶۹.
- ۹- رزمی، سید محمدجواد؛ سارا شهرکی و محمدرضا کلایی (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بین تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی با استفاده از شاخص حکمرانی خوب»، پژوهشنامه بازرگانی، سال ۱۵، شماره ۵۹، تابستان.
- ۱۰- زهرانی، مصطفی (۱۳۸۹)، «تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران: جایگزین جنگ یا مولفه اصلی مهار»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ۴، زمستان، ۸۷-۴۷.
- ۱۱- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۶)، نگاهی جامعه‌شناختی به ساخت دولت در جمهوری اسلامی، در دولت مدرن در ایران، به اهتمام رسول افضلی، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- ۱۲- شوری، محمد (۱۳۹۰)، «فرایند تولد سیاست خارجی ایران ۱۳۶۱-۱۳۵۸»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۱، ۱۰۷-۷۵.
- ۱۳- صالحی، حمید (۱۳۹۰)، «ابرقدرت‌ها، نظام بین‌الملل و جنگ ایران و عراق»، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار، ۱۵۲-۱۳۵.
- ۱۴- عبداللهی آرانی، مصعب و عبدالعلی منصف (۱۴۰۰)، «بررسی تأثیرات همزمان رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سیاست‌های دولت در اقتصاد ایران»، مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۱۷، شماره ۱، بهار و تابستان.
- ۱۵- عجم‌اوغلو، دارون و جیمز رابینسون (۱۳۹۳)، نقش نهادها در رشد و توسعه، ترجمه محمود متوسلی و همکاران در: نهادها و توسعه، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- ۱۶- عجم‌اوغلو، دارون و جیمز رابینسون (۱۳۹۲)، چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟، ترجمه پویا جبل عاملی و محمدرضا فرهادی پور، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- ۱۷- غفاری، فرهاد و الهام نیک‌نژاد (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی برخی از کشورهای منطقه منا»، اقتصاد مالی، سال ۶، شماره ۲۰، پاییز، ۱۷۲-۱۴۷.
- ۱۸- کمبجانی، اکبر و غلامعلی حاجی (۱۳۹۱)، «نقش صادرات در بهره‌وری و رشد اقتصادی: شواهد تجربی از ایران»، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال دوم، شماره ۷، تابستان.

- ۱۹- گرشاسبی، علیرضا و مجتبی یوسفی دیندارلو (۱۳۹۵)، «بررسی اثرات تحریم بین‌المللی بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران»، مجله تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۲۵، پاییز.
- ۲۰- لوتادی، داریو و محمد هاشم پسران (۱۴۰۱)، شناسایی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با استفاده از پوشش روزنامه‌ای، تهران: دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، ترجمه مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران.
- ۲۱- متقی، ابراهیم (۱۳۸۸)، نظام دو قطبی و جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۲- منصور، جهانگیر (۱۳۹۶)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دوران.
- ۲۳- موسویان، سیدحسین و محمدرضا بیگدلی (۱۴۰۰)، ایران و ایالات متحده، نگاهی از درون گذشته شکست‌خورده و مسیری به سوی مصالحه، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- ۲۴- مولایی، محمد (۱۳۹۹)، «بررسی اثر انواع سرمایه خارجی بر رشد اقتصادی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال بیستم، شماره ۱، بهار، ۷۹-۱۰۳.
- ۲۵- نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۹۶)، اقتصاد ایران چگونگی گذار از ابر چالش‌ها (خلاصه طرح جامع مطالعات اقتصاد ایران)، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۲۶- یزدی، ابراهیم (۱۳۶۸)، آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها، تهران: انتشارات قلم.

منابع غیرفارسی

- ۱- Capoccia, Giovanni (2016): Critical Junctures, In The Oxford Handbook of Historical Institutionalism, Edited by Orfeo Fioretos, Tulia G. Falleti, and Adam Sheingate, Oxford University Press.
- ۲- Fakher, Hossein Ali & Abedi, Zahra (2015): The role of foreign direct investment ,technology transfer and spillover effects on economic growth: A GTA Model .Iranian Journal of Economic Studies, Vol 4, No 2, Fall.
- ۳- Faraji Dizaji Sajjad & van Bergeijk Peter A.G. (2012): Early phase success and long run failure of economic Sanctions With an application to Iran, Working Papers are available in electronic format at www.iss.nl, No. 544, June.
- ۴- Fioretos, Orfeo & Falleti, Tulia G & Sheingate, Adam (2016): Historical Institutionalism in Political Science, In The Oxford Handbook of Historical Institutionalism, Edited by Orfeo Fioretos, Tulia G. Falleti, and Adam Sheingate, Oxford University Press.
- ۵- Habibi, Fateh, & Karimi, Mohamad Sharif (2017): Foreign direct investment, and economic growth, evidence from Iran and GCC. *Iranian Economic Review*, Vol. 21, No. 3, 2017. pp. 601-620
- ۶- Hufbauer, Clyde Gary & Jeffrey, Schott & Elliott, Kimberly Ann (2007) *Economic Sanctions Reconsidered: History and Current Policy*. Washington DC: Institute for International Economics.
- ۷- Jafarnejad, Ahmad; Golnam, Arash, & Ale Ebrahim, Nader (2013) Determinants of foreign direct investment in Iran: An empirical study using structural equation modeling. *Middle East Forum*, 71-85.
- ۸- Kohli Atul (2016): States and Economic Development, In The Oxford Handbook of Historical Institutionalism, Edited by Orfeo Fioretos, Tulia G. Falleti, and Adam Sheingate, Oxford University Press.
- ۹- Nephew, richard (2018): *The Art of Sanctions: A View from the Field*. Columbia University Press.
- ۱۰- Popova Liudmila & Rasoulinezhad Ehsan (2016): Have Sanctions Modified Iran's Trade Policy? An Evidence of Asianization and De-Europeanization through the Gravity Model, *Economies* 2016, 4(4), 24; <https://doi.org/10.3390/economies4040024>.
- ۱۱- Rasoulinezhad Ehsan (2017) Iran's Trade Modification Under Sanctions: An Evidence of Trade Divergence and Trade Convergence Through the Gravity Model, *Journal of Economic Cooperation and Development*, 38, 4 (2017), 25-56.
- ۱۲- Shirazi Homayoun & Azarbaiejani Karim & Sameti Morteza (2016) The Effect of Economic Sanctions on Iran's Export ,Iran. Econ. Rev. Vol. 20, No. 1, 2016. pp. 111-1.
- ۱۳- Torbat Akbar (2005) Impacts of the US Trade and Financial Sanctions on Iran, *The World Economy*, Vol. 28, No. 3, pp. 407-434.